



طراح: مریم هاشمی جنت آبادی

از تاریخ تا اندیشه

بازنگری تاریخ فکر شیعه؛ پیش نیازها

دکتر محمد تقی سیهانی

به اساس تاریخ کلام یا تاریخ فقهی و عقیده شاخه‌ای از تاریخ است نه شاخه‌ای از کلام و عقاید یعنی مورخ تفکر و عقاید به جای اینکه در مسند یک عالم دینی بنشیند تا یک گزارش اعتقادی را تحلیل کند خودش را در مسند مورخ می‌گذارد تا ببیند این تفکر از کجا تا کجا طی می‌شود. تاریخ تفکر اساساً یک کار تاریخی است و مثل گرایش‌های میان‌رشته‌ای نیست که از یک رشته‌روش‌ها (متن‌پلوی) و از رشته دیگر، مبانی معرفتی خودش را بگیرد.

بنابراین مقوله تاریخ تفکر و کلام را با علم کلام اشتباه نگرییم؛ باید ترکیبی دیگری منتقل شود و بحث کنیم از هر سبکی یک اعتقاد نمی‌توان سبب به تاریخ آن فضالت کرد؛ چنان‌که از تاریخ تفکر هم هیچ گزاره کلامی‌ای نمی‌توانیم استنتاج کنیم.

در برخی از کتابهایی که مستشرقان یا محققان خودمان بر این اساس نوشته‌اند دچار این مغالطه شدند که از تاریخ تفکر به خود تفکر، بل رفتند و خواستند تاریخ را ثابت کنند یا بالعکس؛ گاهی انگارهای کلامی را در تحلیل تاریخی دخالت دادند. تاریخ کلام و خود کلام، ۲ مقوله مجزا هستند گرچه میان آنها پیوندهایی وجود دارد که این پیوندها نظری است و در جایی خودش باید مطرح بشود.

از همین جهت ضرورت پرداختن حوزه‌های علمیه به مقوله تاریخ تفکر روشن می‌شود. امروز هر دنیا وقتی می‌گویند شیعه‌شناسی، اسلام‌شناسی و

متن حاضر تلخیصی از سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی سیهانی در نشست پژوهشی موضوعات تاریخ علم کلام است. این نشست در هشتم خرداد در دانشکده علوم حدیث (قم) برگزار شده است. دکتر سیهانی در آغاز، میان اندیشه و تاریخ آن تمایز می‌نهد و با توجه به این تمایز، به یکی از پیش‌نیازهای روشی در باب بازنگاری تاریخ فکر شیعه در حوزه معارف حدیثی اشاره می‌کند.

از توشه و توان پژوهش را خودش جمع کند. ضرورت دوم برای بحث تاریخ کلام، این است که فهم بسیاری از متون دینی و اقوال بررگان در عرصه تفکر شیعی، بستگی به فهم تاریخ تفکر دارد. حتی می‌توان ادعا کرد که فهم آیات قرآن هم در بسیاری از جاها به همین پس‌زمینه شناخت تاریخی ارتباط پیدا می‌کند. گاهی اوقات فقدان این درک تاریخی، سبب شده که ما آیات را هم درست درک نکنیم. این مشکل در روایات و اقوال بررگان شیعه فراوان است. ما به عنوان محققان حدیث به گروه واژگانی‌ای برخورد می‌کنیم که جایگاه تاریخی این واژه‌ها را نمی‌شناسیم؛ یعنی نمی‌دانیم اگر از اسامی مسابقه ۹۰ مینا واژه «سخت‌نات» یا «خلق قرآن» نقل شده، از کجا آمده است. پیش فرض این است که واژگان در سبتر تاریخ، دچار تطور معنایی می‌شوند و هر واژه در زمان، محیط و منطقه خودش یک معنا می‌دهد. برای مثال، به اصطلاح هفتمند فی الارض» دقت کنیم. فرض کنید ۱۰ سال دیگر، کسی ادیبان ۱۰ سال بعد از انقلاب ما را بررسی کند و عبارت مفسد فی الارض را در روزنامه‌ها

صیحه‌شناسی، پیش از آنچه منظورشان اعتقادشناسی به معنای کلامی باشد، منظورشان تاریخ تفکر است؛ یعنی معنای شیعه‌شناسی، بررسی تشیع در یک بسو تصور تاریخی است. در بین مورخان خودمان، حتی در بین حوزویان هم، همین روش کم‌کم جای خود را باز می‌کند. حتی اگر نگاه دقیقی به اندیشه تشیع داریم، یکی از بایسته‌های کار پژوهشی، پرداختن به موضوع تاریخ تفکر شیعه است.

متأسفانه در حوزه‌های شیعه در این موضوع، بسیار سیار کم کار شده است. می‌توان گفت شاید در بین ادیان و مذاهب بزرگ دنیا، کمتر مذهب دینی را سزای درم که نسبت به تاریخ تفکر خودش، این قدر کم اعتنا و کم‌مایه برخورد کرده باشد. یکی از مشکلاته کمبود منابع و پیرچینی مباحث تاریخ تفکر شیعه است. یکی دیگر از مشکلات این است که ما تاکنون در این مورد، یک پژوهش آکادمیک گسترده و معتبر انجام نداده‌ایم؛ یعنی یک پس‌زمینه مهم پژوهشی نداریم. این است که هر محقق که وارد این میدان می‌شود احساس می‌کند که خودش تنهاست و باید خیلی

ببیند اگر تاریخ اجتماعی، فکری و اعتقادی ما را نماند به احتمال بسیار زیاد، در فهم آن دچار مشکل می‌شود. چون آنچه ما به عنوان مفسد فی الارض در دهه ۶۰ خبه کار می‌کردیم، با عبارت مفسد فی الارض در قرآن، دقیقاً تطبیق نمی‌کند و یک معنای خاص دارد. مسایه دلایل و ضرورت‌های سیاسی، تاریخی و قضایی، عبارت مفسد فی الارض را از قرآن گرفته‌ایم و به آن بسامد فقهی، حقوقی و سیاسی داده‌ایم. این بسامد مولود این دوره است. اگر به منابع فقهی ۵۰ سال قبل مراجعه کنید، این معنا را نمی‌بینید و ۱۰ سال بعد هم معلوم نیست که این اصطلاح، همچنان در فقه ما باقی مانده باشد. این مثال را تطبیق دهید با هزاران واژه کلیدی اعتقادی که در روایات ما به کار رفته است. از دید گوینده که گاهی با تاریخ کلام آشنا هستیم، تمام اینها تاریخی است. محققان حدیث، برای فهم احادیث فقهی، باید تاریخ فقه را بدانند. همان‌طور که از آیات فیه وجودی نقل شده، اگر کسی تاریخ فقه اهل سنت را نخواند، روایات فقهی شیعه را نمی‌تواند بفهمد. همین این سخن را ما در علم کلام دلیلهای کسی که تاریخ کلام شیعه را نشناسد، فهم روایات اعتقادی شیعه برایش سخت است. بسیاری از ناملزمت‌ها ظاهری که در روایات هست، با مباحث تاریخی مرتبط است. در بسیاری از آیه‌های ما که به اصطلاح بستند و در روایات ما هم ظهور دارد (مثلاً روایات از امام صادق ع هست که زراره را وارد کرده‌اند) معمولاً جسع رجالی می‌کنیم؛ مثلاً می‌گوییم فلان‌های که بر توثیق زراره آمده‌اند، قوی‌ترین روایاتی است که در تصنیف آمده

است. این فرض است اما مطلب مهمی می
وجود دارد و آن این است که بررسی کنیم آنجا
که تصدیق کرده اند چرا تصدیق کرده اند اگر
کسی تاریخ آن دوره و وضعیت فکری شیعه و روش
آنچه را در بر خورد با شرایط فکری و سیاسی بداند
می فهمد که این وضعیت فلانجا جای گاه خاصی
دارد مثلا در مورد هشتمین حکم گفته اند که
ایشان چیزی مینگ و قتل به تشبیه است البته
پاسخ هایی هم داده اند که در جای خودش بحث
می شود اما برخی از محققان این موضوع را با
استفاده از تاریخ کلام بررسی کرده اند
اگر کسی تاریخ کلام بداند می فهمد چرا به هشتم
آنجا چیزی یا تشبیه است دادند آنها چه کسی
بودند و در مقابل هشتم چه اعتقادی داشتند وقتی
هشتمین حکم با اینها منظر می کرد آنها از آن
حرفش چه برداشتی می کردند و این برداشت
را چگونه در گروه های تبلیغاتی خود پیش
می کردند



می بخارند و خودش هم یک محله کلامی شیعی
می شود. مثالی برای مورد اول و دوم عرض
کنم: ما «الکافی» کلینی را فقط کتاب حدیث
می بینیم هیچ کس تاکنون به الکافی به عنوان
کتاب کلامی نگاه نکرده در حالی که خود کلینی
بر مقدمه الکافی برای نوشتن کتاب تفسیر کلامی
ذکر می کند و می گوید امروز شبهات زیاد شده
مسأله زیاد شده من می خواهم از اخبار روایاتی
را جمع کنم و به این شبهات پاسخ بدهم. عین
این مطلب را شیخ صدوق در مقدمه «التوحید»
گفته که شبهه را متمم به تشبیه و جبر می کنند
و من می خواهم روایات را بنویسم و پاسخ بدهم
یعنی ۲ کتاب به ظاهر حدیثی فقط جمع روایات
نیست بلکه تنظیم این کتابها و عنوان هایی
که در این روایات آمده و بعد با اینها می که در
ذیل این روایات هست همه کلام است یک
منظومه اعتقادی است سوال این است که تفاوت
دست بندی و نظام بندی التوحید صدوق با الکافی
چرا چیست؟ آیا کلینی در تکرار اعتقادی خودش
همان گونه می اندیشید که صدوق می اندیشید یا
با آن تفاوت بوده است؟ آیا این تفاوت نگاه در
بسته بندی روایات در عنوان بندی روایات مؤثر
بوده یا نبوده؟ مادامی که کتب که این تفاوت هست
و این تفاوت در عنوان بندی هم مهم است ما
الآن نمی فهمیم منابع کلامی کلینی چه کسانی
هستند منابع روایی را می شناسیم اما نمی دانیم
که بعد کلامی آن چه بوده فقط می دانیم که
کلینی در تدوین کتاب الکافی کاملا قدشبه
کلامی داشته و این اندیشه کلامی را در نظام بندی
کردن این روایات دخالت داده است

این نکته را عرض کنم که قبل از چهارشنبه
پیشین تفکر و شیعه می از روش های فرولان
در ۲ محور می اندیشید. همان میراث شناسی
و جریان شناسی. محور اول تفکر فکری و حوزه
اندیشه همان است آنها هر قار را می توانند بلکه
شخصیت های مهم و برجسته ای بودند و بسیاری
از آنها در است حدیث داشته اند یعنی اندیشه
داشتند محور دوم میراث شناسی است. مادر
میراث شناسی شیعه اصنافا دچار ضعف جدی ای
هستیم بخشی از میراث ما مفقود است بخشی
منسوخ در میراث های متأخر است و در جوایع
روایی آمده است و بخشی از آن به محالو شده
یعنی میراث یک مدرسه فکری مثل مدرسه فکری
فیم در میراث مدرسه کوفه اختلاط پیدا کرده بعد
رفته بعد و دچار افتاد دیگری داشته است پس
میراث ما یک تاریخ دارد ما به دلیل تکرار رجالی
در بحث به احادیث از اینکه هر سر حدیث یک
دوره تاریخی دارد تا غایب یعنی وقتی می گوئیم
این روایت را اختلاف بین عمیر از محمد بن عثمان نقل
کرده سپس علی بن محمد میراثی از او نقل کرده
باید دید این روایات در کدام حوزه بوده این حوزه
و این هر چه تفکری داشته اند و روایات بطور
اختلاط نقل شده

پنجمین بخش از تاریخ تفکر و روش علمی
در این باره انجام ندادیم
۱۶) مراحل حضور حدیث در خراسان و ملواریات
و سیر انتقال آن از آغاز تا شیخ صدوق این موضوع
در تاریخ حدیث و تاریخ تفکر بسیار مهم است
شیخ صدوق با آن جلالت قدر به نشانی و خراسان
می رود و احادیث شیعه را جمع می کند و در
چه زمانی به آنجا رفته و کجا چه طریقی؟ آیا از قم
کوفه وری به تدریج به سمت شریک ایران حرکت
کرده است؟
۱۷) محدثان شیعه در مکه در قرن نخستین و نقش
آنها در گ ترش اندیشه تشیع ما معمولا مکه را
خالی از تشیع می بینیم اما راههایی وجود دارد که
تشیع در آنجا با تکرار حدیثی حضور داشته است
۱۸) تاریخ اندیشه تشیع در بحرین از آغاز تا قرن
هفتم یعنی ظهور ائمه اثنی عشری و منابع
ایشان این منابع محدثان فقیه فیلسوف و عارف
بحرینی در قرن هفتم است او با خوایع طوسی
هم آوردی می کند ما سعی داریم و تحقیق واقعی
نداریم که تشیع چگونه به بحرین رفته چه کسانی
مؤثر بودند و چه اندیشه های از منظر حدیثی کلامی
و فلسفی مطرح بوده است

۱۹) تاریخ اندیشه تشیع در مصر از آغاز تا قرن پنجم
۲۰) تحلیل حدیثی و کلامی شیعیان کوفه و بصره
در آقرن هفتم یعنی آمدن سید یرگ بصره که
در آن غلبه اهل سنت است و کوفه که غلبه با شیعه
است در تعامل حدیثی و کلامی در آقرن اول چه
فرآیندی را طی کردند؟

کار بسیار مهمی است. حال هاز جست کشیده اند
و هنوز جای کار دارد در دانشکده علوم حدیث
بزرگ و تهران و پلان نامه های نگاشته شده ولی باز
می شود بیشتر در این موضوع پژوهش کرد
۱) میراث معارفی امام سجاده و چگونگی
انتقال آن به گروه های مختلف فکری و توجه
مواجهه این گروه ها با میراث امام سجاده؟ این
از بحث های خیلی مهم حدیثی است که اساسا
ما رسیده است در اسناد بسیاری از روایات امام
سجاده که شخصیت های غیر شایسته وجود دارد
بررسی می شود که چه جریان هایی
در مدینه در کنترل حضرت
بودند آنها می که از بصره یا کوفه
می آمدند یا که حتی که در مدینه
بودند؟ هر یک از اینها نیازمند
بررسی است

۲) میراث معرفتی نخستین یاران
امام علی یعنی شخصیت های
بزرگ ذیجی مانند سلمان ابوخره
عمار و مقداد و میزان ثوبه و گنبره
انتشار آن در بیرون گروه های مختلف
۳) منابع علمی معارف اهل بیت
و چگونگی دریافت و انتقال آن در
مسائل که امامت آمده علوم معارفی
شودشان را از کجا می گرفتند؟
اما در محور جریان شناسی هم ۱۰ پیشنهاد
پژوهشی قابل ذکر است
۱) شکل گیری اندیشه تشیع در وری از آغاز تا عصر
کلینی با رهگیری تاریخ اهل شیعه در وری تفکر
شیعه در وری به صورت مخفیانه شروع می شود و
بعد از عبدالعظیم حسینی ظاهر می شود و اوج
ش کوفه ای از او اواخر قرن سوم است که منابع
کلینی حضور دارند زمانی که نوابس هر ری حاکم
بودند در صاع خوری بود که عبدالعظیم حسینی
از بزرگترین خنک خودش هم نمی توانست بگری
بماند به همین دلیل نجاشی می نوه شد وقتی
که فوت کرد رفقای در چیب ایستادن پیدا کردند
که خودش را در آن رفته معرفی کرده بود و مردم
فهمیدند که این عبدالعظیم حسینی زندگی
می کرده است

۲) دوره زمانی مشایخ کلینی وری به عنوان یک
جریان مهم و عمده در نشر حدیث شیعه است
رهگیری این جریان یا توجه به مستندات
تاریخی و حدیثی نکات بسیاری را بر ما روشن
می کند حتی اگر معای بحث حدیث شناسی ما را
می تواند پاسخ بدهد
۳) اندیشه کلامی شیعه در وری از آغاز تا قرن
ششم در پیشنهاد اول به بحث حدیث شناسی
یعنی تاریخ حدیث تشیع در وری پرداختیم اینجا
می خواهم هم نگاه کلامی بکنیم در قرن ششم
در وری با حضور این شهر آشوب به پانده اواندی
و معبد نیسابوری چیران بزرگ کلامی ای ظهور
می کند که بعدا در حله تحف و دیگر نقاط تأثیر

شده بعد می توانیم تاریخ تفکر و شیعه را با تکراری
کنیم
اعتقاد بر این است که اگر این تاریخ تفکر نوشته
شود (چندان دور هم نیست و با این همه امکانات
و نیروی انسانی به سرعت می شود به این هدف
تزیق شده اساسا نگاه ما به کلام حدیث و
فقه دچار یک تحول خواهد شد و به تعبیر دیگر
لا اله الا الله و تکرار شیعه را خواهیم
شناخت که تاکنون بر ما نامعلوم بوده است اکنون
برای سونه در محور میراث شناسی چند عنوان
تحقیق پیشنهادی را عرض می کنم:
۱) میراث معارفی پیامبر اکرم
چگونگی انتقال آن در جریان های
مختلف حدیثی و فقهی معنی
پیامبر در تبرین و ترویج بیندانهای
اعتقادی چه بود؟ و این احادیث و
میراث پیامبر چگونه در جریان های
فکر مختلف رفته پیدا کرد؟
۲) پژوهش در خطبه حضرت
زهره از نظر مبدا و منی (تاری
به معنای پژوهی تدلیس به عبار
دیگر از نظر سند تاریخ انتقال این
عبارت چه بوده از نظر سن این
سخنهایی که به ما رسیده چه
نقوتها و اشتراکاتی دارند و دلایل
این تفاوتها و اشتراکات و ترجیح
یکی بر دیگری کدام است؟

۳) میراث معارفی حضرت زهره را و نقش
آن در تکرار سینه شیعه تشیع و این سینه دیگر بحث
معنای نامی تاریخی است کاری به سند خطبه
نماند کل میراث معنوی معرفتی و اعتقادی
حضرت و اینکه آیا این نقش تاریخی داشته یا نه
بررسی می شود
۴) پژوهش در اختلافی در میراث معارفی
امیرالمومنین شیعه بسیار قوی ای وجود دارد
که روایات اعتقادی و توحیدی «توحید الیلافه» و
سایر کتابها از حضرت نیست اینها بر رفته
دوره های متأخر است فرآیند گفتند و هنوز هم
می گویند در اینجا لازم است که کسی بررسی
استدلالی بکند و نشان بدهد که این استنادها
چگونه است
۵) از آنکه منظومه موضوعی معارف اعتقادی از
دیدگاه امیرالمومنین که بیشتر منشاسی
است یعنی بزرگتریم به دلالت خطبه و
گفتار های حضرت و بهریم اما از دیون آنها
یک نظام اعتقادی جامع و هماهنگ پورون
می آید یا نه؟

۶) میراث معارفی امام حسن و نقش آن حضرت
در تبیین و گسترش اندیشه اعتقادی و کلامی
شیعه به نظر بزرگترین مطلوبیت امام حسن
در ایحاست است آن منظومینی که مطرح می کنیم
یعنی در چهارم تاریخ امام حسن اصلا چه
امامی که هادی است لقبه امام
۷) پژوهش اسنادی در «حقیقه سجاده» که

مقاله تاریخ تفکر و روش علمی